



## برقرار باد همبستگی پرلتاریای روسیه، ناتو و اوکراین علیه امپریالیسم و فاشیسم

با آغاز درگیری نظامی روسیه با اوکراین عملاً، با وضوح و غیر قابل انکار تضادهای سیستم امپریالیستی به مرحله‌ی انفجار رسید. این پروسه دغلكاری امپریالیست‌ها را که در بوق "نظم جهانی صلح" می‌دمند، برملا ساخت و نشان داد که قانونمندی کشف شده سیستم امپریالیسم توسط لنین هنوز هم با شدت و حدت بیشتری عمل می‌کند: "امپریالیسم حامل جنگ است"

امپریالیسم روس برای رفع بحران‌های اقتصادی - سیاسی‌اش، درگیری نظامی را آغاز کرد و همه کشورهای امپریالیستی به ویژه امپریالیست‌های اروپائی و آمریکا با شدت و حدتی بی مانند و با تنش‌ی روز افزون تا به امروز به آتش خانمان سوز جنگ خوراک می‌رسانند. به واقع یک جنگ وسیع اقتصادی جهانی به صورت محاصره اقتصادی روسیه توسط آمریکا و ناتو، یک جنگ وسیع نظامی به صورت حمله روسیه به اوکراین و گسیل انواع و اقسام سلاح‌های کشتار جمعی از طرف دولت‌های ناتو به سوی اوکراین و یک جنگ روانی در تبلیغ افسار گسیخته و تهوع آور هر طرف علیه طرف مقابل، آغاز گشته است. همه طرف‌ها با نعره‌های هیستریک‌شان علیه طرف مقابل فضای سیاسی - روانی جهان را متعفن کرده‌اند.

روسیه پس از گسیل بیش از ۱۰۰ هزار نیروی نظامی به مرزهای اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به این کشور حمله کرد. این حمله به علت بحرانی بود که در طول سال‌ها بین

روسیه با جنگ طلبان اصلی جهان یعنی آمریکا و ناتو به وجود آمده بود. روسیه و نمایندگان ناتو در طول سال‌ها در نشست‌های طولانی بر سر امنیت روسیه درگیر بودند. ناتو تضمین می‌داد که نیروهایش را به شرق گسترش ندهد و به امنیت روسیه و چین احترام بگذارد. ولی بر مبنای خصلت امپریالیسم، بعد از هر نشستی، نیروهای ناتو گامی خود را به سوی شرق گسترش می‌دادند. این گسترش تا آن جا وسعت یافت که کشورهای هم مرز اوکراین و بلوروس و روسیه به عضویت ناتو درآمدند. روسیه در این سال‌ها با شدت به این اقدام ناتو اعتراض می‌کرد. ولی ناتو بدون توجه به این اعتراضات مصمم بود قدم به اوکراین بگذارد. در همین سال‌ها بود (۲۰۱۴) که ناتو و در رأس آن آمریکا با ایجاد یک جنبش فاشیستی در اوکراین کودتا کرد و یک رژیم به غایت فاشیستی و آدمخوار را روی کار آورد. این امر به تنش بین اوکراین و روسیه و نزدیکتر شدن اوکراین به ناتو دامن زد.

اگر اوکراین به عضویت ناتو درآید و سلاح‌های اتمی و غیر اتمی در این کشور مستقر شود، امنیت کشور روسیه به طور کامل در مخاطره قرار می‌گیرد (فاصله بین کیف و مسکو فقط ۶۰۰ کیلومتر می‌باشد) روسیه به عنوان یک ابر قدرت امپریالیستی برای جلوگیری از این خطر و ادامه گسترش نفوذ خود در کشورهای اطراف و رقابت اقتصادی و سیاسی با آمریکا و اروپا به حمله نظامی گسترده دست زد.

با توجه به نکات فوق، در شرایط کنونی بین‌المللی مسبب اصلی بحران و جنگ اوکراین آمریکا و ناتو است. ولی این نباید نقش تاریخی روسیه را در این بحران و جنگ از دیده فرو گذارد. بدین معنا که پیش از انقلاب

اکتبر و در جریان آن سیاست انقلابی - پرولتری لنین در مورد ملیت‌ها باعث گردید که کلیه ملیت‌های مجتمع در اتحاد شوروی متحداً علیه بورژوازی خودی، علیه جنگ امپریالیستی و دفاع از کل سرزمین شوراها بجنگند و برای برادران طبقاتی خود از هیچ هزینه‌ای پروا نداشته باشند. این سیاست در زمان لنین و استالین با قدرت و همه جانبه دنبال شد که خود یکی از عوامل پیروزی بر فاشیسم هیتلری در سطح بین‌المللی و فاشیسم باندرائی در اوکراین گردید. در جریان جنگ دوم جهانی با کشته شدن ده‌ها هزار کادر بلشویک روس و ملیت‌های دیگر، کولاک زاده‌ها درون حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نفوذ کردند، از شرایط جنگی استفاده نموده و پست‌های کلیدی را تسخیر نمودند. باند بریا - خروشچف، استالین سکتی کرده و بر زمین مانده را ۹ ساعت بدون مداوا گذاشت و باعث مرگ او گردید. آنگاه خروشچف در ۱۹۵۶ قدرت حزبی و دولتی را تسخیر کرد و از آن زمان به بعد رویزونیست‌ها به پرورش بورژوازی شوونیست روسی پرداختند. به طوری که ستم روز افزون بورژوازی شوونیست روس بر کلیه ملل متحد در سرزمین شوراها باعث نفرت این ملل و سوء استفاده بورژوازی شوونیست ملل دربند روسیه گردید. در سال‌های ۹۰ قرن گذشته با فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی بورژوازی این ملل با نفرت پراکنی علیه روسیه، طبقه کارگر خود را در مقابل طبقه کارگر روسیه قرار داد. و با فاصله گرفتن سریع از روسیه به دامن ناتو پناه آورد.

به بیان دیگر به لحاظ تاریخی بورژوازی تازه به قدرت رسیده و امپریالیستی شده روسیه مسبب اصلی

به سر می‌برند. دولت‌های ارتجاعی به مانند روسیه، دولت‌های ناتو به ویژه آمریکا تا نهایت متشکل و تا دندان مسلح هستند. علیه چنین جنگ و نیروهای ارتجاعی مسلحی باید متشکل و منسجم گردید.

مردمان کار و زحمت و سربازان هر کشور اگر بخواهند برادران طبقاتی خود در کشورهای دیگر را سلاخی نکنند، باید سلاح را علیه سرمایه‌داری کشور خود و دولت نماینده آن‌ها نشانه روند و به روی هم طبقه‌ی‌های خود در کشورهای دیگر شلیک نکنند.

تا زمانی که امپریالیسم در جهان حضور دارد، بحران اوکراین همانند هزاران بحران دیگر حضور خواهد داشت و تشدید خواهد شد.

اگر روسیه تمام اوکراین را اشغال کند و یک رژیم دست‌نشانده بر قدرت بگمارد و تضمین‌های لازم را جهت امنیت خود از آن بگیرد و از اوکراین خارج شود، ناتو بدون لحظه‌ای تردید در اوکراین اخلاص خواهد کرد. اخلاص ناتو انگیزه‌ای خواهد شد برای دخالت مجدد روسیه و کشتار و تخریب در این کشور. این پروسه به طور دائم تنش‌فزاینده‌ای را به بحران‌های لاینحل اقتصادی - سیاسی - فرهنگی در سطح بین‌المللی دامن می‌زند که چیزی جز فقر و مسکنت بیشتر برای کارگران و زحمتکشان کلیه کشورها ثمری نخواهد داشت.

امروزه تمام کشورهای اروپایی مرزهای خود را برای ورود پناهجویان اوکراینی گشوده‌اند. ظاهر مسأله این است که این دولت‌های اوکراینی‌ها را عزیز می‌دارند. ولی واقعیت خیلی غم‌انگیز است. کشور آلمان به بیش از ۶۰۰ هزار نیروی کار فعال و متخصص بسیار ارزان محتاج است. همه کشورهای اروپایی نیز چنین نیازهایی دارند. حتی برده‌داران جنسی این کشورها منجمله اسرائیل و آلمان نیز برای بلعیدن زنان زیبا و بی‌پناه اوکراینی دهان باز

اوکراین و در خدمت فاشیست‌های این کشور گسیل نمایند. دولت آلمان با چه شور و شعفی به کمک فاشیست‌های باندرائی که متحد پر و پا قرص هیتلر بودند، شتافته است.

در کشوری که بر سر هر تصمیم کوچک ماه‌ها بحث و مجادله جناح‌ها به طول میانجامد، پارلمان حتی یک روز را هم برای تصویب این مقدار هزینه سالانه جهت تقویت بنیه نظامی اختصاص نداد. همه جناح‌ها فرمانبردار اربابان امپریالیست اسلحه‌ساز بین‌المللی هستند.

از جانب دیگر آمریکا و ناتو و روسیه سلاح‌های کهنه و از رده خارج شده را با کشتار سربازان روسی و مردم اوکراین مورد استفاده قرار می‌دهند و سلاح‌های مدرن و نو را نیز همانجا آزمایش می‌کنند.

آمریکا به ویژه به هیچ وجه حاضر به پایان دادن به این جنگ نیست. زیرا از قبل این جنگ و با فروش اسلحه، بخشی از بودجه سالانه آمریکا را تأمین می‌کند، متحدین خود در ناتو را منسجم می‌سازد و روسیه را به عنوان یک رقیب اقتصادی - سیاسی در تنگنا قرار می‌دهد. سفر بایدن به اروپا و شرکت در اجلاس G7 برای همانگ کردن کمک‌های نظامی - تسلیحاتی به اوکراین و گسترش دور جدید تحریم‌ها علیه روسیه انجام گرفت.

با کمی دقت در تغییرات شرایط منفی و هولناک مردم اوکراین، روسیه، اروپا و جهان بر محور بحران اوکراین، روشن می‌گردد که از هر زاویه‌ای بر این جنگ لعنتی بنگریم، جنگی ارتجاعی، ضد مردمی، نابود کننده و عمیقاً ناعادلانه است که باید هر چه زودتر پایان یابد.

شرایط زندگی توده‌های زحمتکش تنها معیار مثبت و یا منفی بودن هر اقدام و تغییری است. امروز ناشی از بحران و جنگ در اوکراین ده‌ها میلیون انسان بی‌خانمان گشته‌اند و میلیون‌های دیگر در گرسنگی، بی‌دارویی و بی‌پناهی

این درگیری و بحران نه تنها در اوکراین بلکه در کل جهان است.

ما در مقاله «اوکراین در چنگال تضادهای امپریالیستی» نوشتیم «مسأله‌ی اوکراین برای آمریکا، اروپا، روسیه و چین هیچگاه حل نخواهد شد. ولی آن‌ها با انگیزه اوکراین و سر و صدای جنگ جهانی سوم بر محور آن، میلیارد‌ها دلار اسلحه به کشورهای دیگر خواهند فروخت تا آن‌ها بتوانند «امنیت» خود را تضمین کنند و کارخانجات بین‌المللی سازنده اسلحه میلیارد‌ها دلار حاصل کار و تولید زحمتکشان جهان را به یغما خواهند برد.»

این تحلیل با واقعیت انطباق کامل دارد. به طوری که حتی یکی از اعضای لیبرال پارلمان آلمان نیز آن را درک کرده است:

سارا واگن‌کنشت، عضو پارلمان آلمان در مورد سیاست اتخاذ شده از جانب دولت‌اش، گفت: «این سیاست زیرشعار "همبستگی با اوکرایین"، در واقع به دنبال سود هرچه بیشتر برای سازندگان اسلحه است.»

نخست وزیر آلمان (شولتس) گفت: «بدون اگر و اما ما در کنار اعضای ناتو ایستاده‌ایم. رئیس‌جمهور پوتین نباید قطعیت ما را دست کم بگیرد که متحداً از هر متر مربع کشورهای متحده دفاع می‌کنیم.»

و سپس دولت آلمان به نظامی‌گری روی آورد. صد میلیارد بودجه سریع و دو درصد از تولید ناخالص ملی سالانه خود را صرف تکامل قدرت نظامی خواهد کرد. درصد بسیار بالای این صد میلیارد و آن دو درصد صرف خرید اسلحه از آمریکا خواهد گردید.

در عین حال جناح‌های متضاد در درون دولت آلمان در توافقی بی‌مانند و سؤال برانگیز، بدون هیچ بحث و جدل و اما و اگر آن را تصویب کردند. و متقبل شدند که ۱۴۰۰ تانک، ۵۰۰ موشک زمین به هوا، ۹ توپ متحرک با تمام تجهیزات به سوی

عذاب گذران زندگی بوده‌اند که امروز با تشدید بحرانهای اقتصادی، سیاسی ابعاد گسترده‌تری یافته است.

این آسیب عمیق و زخم دیرپای اجتماعی دارای علی‌القانونمندی است که در زیر بدان اشاره خواهد شد:

مارکس می‌گوید: «ارزش مردها مستقیماً متناسب با افزایش در نیروهای مولد کار کاهش می‌یابد.»<sup>۳</sup>

ساختار اجتماعی سرمایه‌داری بر بنیان استثمار نیروی کار جهت کسب هر چه بیشتر ارزش اضافه استوار است. ارزش اضافه عبارت است از آن مقدار از کار کارگر (نهفته در کالای تولید شده) که سرمایه‌دار مزد آن را نمی‌پردازد و خود آن را تصاحب می‌کند.

سرمایه‌دار برای رسیدن به این هدف، یعنی «کسب هر چه بیشتر ارزش اضافه»، سعی می‌کند تا آن جا که ممکن است نیروهای مولد کار را افزایش دهد. یعنی کار را تا آن جا که ممکن است اجتماعی کند، همه را به کار بکشد. این هنوز به طور کامل سرمایه‌دار را به هدفش نمی‌رساند. او باید ارزاترین نیروهای مولد کار را وارد چرخه تولید کند. بر این مبنای سرمایه‌داری از همان اوان شکل‌گیری زن و کودکان را به طور وسیع به کار کشید.

لذا معضل کودکان کار، معضلی نیست که سرمایه‌داری بتواند و بخواهد آن را درمان کند. سرمایه‌داری مولد کودکان کار است. بدون کار زنان و کودکان سرمایه‌داری نمی‌تواند به قدر کافی فربه شود. این نیاز سرمایه‌داری به کار کودکان و زنان که با شروع سرمایه‌داری رقابت آزاد گردید، با تبدیل رقابت آزاد سرمایه به امپریالیسم در ۱۹۰۰-۱۹۰۳ ابعاد جهانی پیدا کرد.

البته سرمایه‌داری تمام کشورها در قوانین اساسی کشوری خود از ممنوعیت کار کودکان و غیره، بند و

انتظار گرفتن وجهی از صاحب خود رو می‌ایستد. «بر و بچه! مزاحم نشو! پول خرد ندارم» و اتومبیل دور می‌شود. خشم به صورت قطره‌یی سوزان بر چشم کودک کار لگد می‌زند «دلم میخواست مسلسل پشت شیشه مال من باشد»<sup>۱</sup> و به سوی ماشین پارک شده‌ی دیگری می‌رود.

این صحنه واقعی هر روز هزاران بار تکرار می‌شود. کار طاقت فرسای کودکان در بنائی و ساختمان، باربری، لارویی فاضلاب کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، به کارگیری آن‌ها توسط مافیاهای لانه کرده در شهرداری‌ها و دیگر ارگان‌های دولتی برای زباله گردی در بین زباله‌های مسموم و هوای خفقان آور دیوها، در جامعه ایران تحت رژیم فاشیستی سرمایه‌داری مذهبی، امری معمول و عادی گشته است.

به طور مشخص کارنامه رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه چنین است: «در تهران به ازاء هر ۵۳۰ نفر جمعیت، در تبریز به ازاء هر ۱۶ هزار نفر جمعیت «یک کودک کار» کار و خیابان وجود دارد. در کرمان در سال گذشته [۱۳۹۸] ۱۰۶۳ کودک خیابانی... در البرز در سال ۹۸ تعداد ۹۳۰ مورد کودک کار و خیابان... در یزد ۷۵۹... در استان خوزستان ... تقریباً ۵۶۰ نفر هستند.»<sup>۲</sup>

به بیان دیگر در سال ۱۳۹۸ در تهران با جمعیت ۱۰ میلیون نفر، ۱۸۸۶۸ کودک کار وجود داشته، در کرمان با جمعیت ۶۰۰ هزار نفر به ازاء هر ۵۶۴ نفر یک کودک کار و خیابان وجود داشته و همین نسبت حدوداً در یزد و شهرهای دیگر ایران برقرار بوده است. جمعیت شهرهای ایران در سال ۹۸ حدود ۸۳ میلیون نفر بوده است. اگر نسبت کودکان کار به جمعیت شهرها را بر مبنای نسبت‌ها در آمارهای فوق ۷۰۰ به ۱ محاسبه کنیم حدود ۸۸۶۷۱ کودک کار در شهرهای ایران در شکنجه و رنج و

کرده‌اند. زمانی که نیازهای این کشورها برطرف شد، همین دولت‌ها بقیه اوکراینی‌ها را همانند پناهجویان سوری، افغانی و فلسطینی، با خفت تا پشت دروازه‌های اروپا بیرون خواهند راند، تا چپیده در قایق‌های مستعمل، خوراک نهنگان و امواج اقیانوس‌ها شوند.

ولی آنچه که مردم زحمتکش جهان در این روند بدست می‌آورند، آگاهی نسبتاً بالا از خصلت و ماهیت سیاست‌های امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان جهت به دست آوردن بازارهای نوین و ابرسودهای میلیاردی است.

پرولتاریای روسیه، بلوروس، اوکراین و کلیه کشورهای شوروی سوسیالیستی سابق دوش به دوش هم علیه سرمایه‌داری و جنگ امپریالیستی جنگیدند و صحنه‌های پر شوری در تاریخ جهان به یادگار گذاردند.

روند مبارزه طبقاتی و تجربه روزانه، این همبستگی و اتحاد طبقاتی را دوباره به وجود خواهد آورد.

علیه جنگ امپریالیستی به پا خیریم! نه به جنگ افروزان و جنگ طلبان، گسترده باد همبستگی طبقه کارگر و زحمتکشان

مقاومت فعال علیه جنگ امپریالیستی را سازمان دهیم!

### ارتباط با ما

[coiran21@gmail.com](mailto:coiran21@gmail.com)

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما

### معضل کودکان کار و طمع سرمایه‌داری

جثه‌یی کوچک و نحیف، با دستانی لرزان از بی‌قوتی و چشمانی که اشک در آن ماسیده است، شیشه‌ی اتومبیلی را با دستمال کوچکی پاک می‌کند و به

<sup>۳</sup>- گروندریسه - صفحه ۱۲۲ - کشف مقوله‌ی ارزش اضافه

کودکان چنین اقرار می‌کند. قرائت در 29.3.2022

<sup>۱</sup>- صمد بهرنگی - بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری  
<sup>۲</sup>- سایت «توانمند سازی حاکمیت و جامعه» که یک سایت دولتی است در مورد کار

سرمایه‌داری) را خراب نکند. نماینده مردم تبریز در مجلس اسلامی می‌گوید: حضور کودکان کار اتباع خارجی هم به زیبایی چهره شهر خدشه وارد می‌کند و هم گسترش دامنه آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد.» البته این نماینده از آسیب‌های اجتماعی به طور مشخص نامی نمی‌برد ولی زیبایی شهر برایش مهم است و حتماً نباید خدشه‌دار گردد.

کودکان کار نه فقط در شرایط سخت و طاقت فرسا به کار واداشته می‌شوند و مزد حداقلی می‌گیرند که این خود یکی از بزرگترین آسیب‌های اجتماعی‌ست زیرا از درس خواندن، ورزش، بازی کودکانه و مطالعه و تعمق در بطن زندگی باز میمانند، بلکه انواع و اقسام مافیای مواد مخدر، باندهای سرقت خیابانی و خانگی، باندهای دارای خانه‌های ارضای همجنس‌بازان و برده‌داران جنسی و غیره نیز برای بلعیدن آن‌ها دهان باز کرده‌اند. نتیجه‌ی این معضلات نیز برای سرمایه‌داری نهایت ضرورت را دارد: گسترش جنایت، دزدی، آدمکشی، آدم‌ربانی، اعتیاد و فحشا که بخشا پول ساز است و هم تضادهای بین مردم را تشدید می‌کند و افکار را نه علیه دولت بلکه به سمت انحرافی دیگری میکشاند.

کودکان کار محروم‌ترین، و ستم دیده‌ترین بخش هر جامعه‌ای هستند. با مبارزه علیه اهداف پلید سرمایه‌داری در قبال کودکان کار، می‌توان قدری از فشار طاقت فرسای این محرومان کاست ولی حل نهائی و ریشه کن کردن مقوله کودکان کار وظیفه طبقه کارگر و انقلاب اجتماعی برای برپائی سوسیالیسم است. در پروسه تدارک انقلاب، کودکان کار به عناصر فعال انقلابی تبدیل می‌شوند و در سوسیالیسم نیروئی می‌گردند که بنیان مناسبات فاسد پرورنده‌ی چنین معضلی را ریشه کن می‌کنند.



تأمین کرد و باید کودکان به کار گرفته شوند.

و یا نان آور خانه که روزانه حداقل ۱۰ ساعت کار می‌کند، مزدی نمی‌گیرد، در این شرایط کودکان مجبور به کار ارزان هستند. حتی بسیاری از کودکان تنها نان آور خانه‌اند.

شرایط فوق را سرمایه‌داری برای استفاده هر چه بیشتر از نیروی کار ارزان به وجود می‌آورد که در آن کودکان دسترس‌ترین و ارزانی‌ترین طعمه هستند.

در این مورد سید حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، می‌گوید: «تا زمانی که عواملی که باعث شوند کودکان، مدرسه، خانه و جای گرم و نرم را بر کار ترجیح دهند ... حل نشود، ما به شکل‌های مختلف کودکان کار و خیابانی خواهیم داشت.» البته این جناب به علت دید محدود و عقب مانده‌ای که دارد به درک پروسه حل واقعی معضل کودکان کار نایل نمی‌گردد.

تا وقتی فقر هست کودکان کار نیز هستند و تا وقتی سرمایه‌داری هست، کودک کار نیز وجود دارد، زیرا سرمایه‌داری عامل فقر است. سرمایه‌داری همیشه شرایطی را به وجود می‌آورد تا بتواند از ارزانی‌ترین نیروی کار یعنی نیروی کار کودکان در گسترده‌ترین بعد بهره گیرد.

طبق گزارش یونیسف از هر ۱۲ کودک در جهان ۱ کودک اجباراً کار می‌کند. کار کودکان منحصر به کشورهای فقیر و یا سرمایه‌داری درجه دوم و سوم نیست بلکه در کشورهای رشد یافته امپریالیستی مثل آمریکا، روسیه، چین، و کشورهای قدرتمند اروپائی مثل آلمان نیز وجود دارد.

برای سرمایه‌داری معضل کودکان کار، معضل نیست بلکه نعمت است ولی باید طوری از این نعمت استفاده کرد که دیده نشود و به چشم نیاید، چهره زیبای شهر (بخوان چهره

تبصره فراوانی قید کرده‌اند. زیرا فریب مردم و به ویژه زحمتکشانش یکی از اصول نظام سرمایه‌داری است. مثلاً در قانون کار ایران ماده ۷۹ کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع اعلام شده است. اما واقعیت ۱۸۰ درجه با این بندهای قانونی تضاد دارد.

در جهان کنونی امپریالیستی حدود ۲۵۰ میلیون کودک کار وجود دارند که این تعداد در حال گسترش است. از این تعداد ۱۲۰ میلیون کودک، کار تمام وقت دارند با کمترین مزد. بقیه در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، خیابان‌ها، در دیوهای زباله مشغول هستند تا نان خانواده را بدست آورند. از این ۲۵۰ میلیون کودک کار، ۱۲۲/۳ میلیون در آسیا و پاسیفیک، ۴۹/۳ میلیون در آفریقا و ۵/۷ میلیون در آمریکای لاتین و کارائیب زندگی می‌کنند.<sup>۴</sup>

حقایق فوق به روشنی بر نظر مارکس صحه می‌گذارد.

با مبارزه علیه دولت‌ها شاید بتوان ابعاد به کارگیری کودکان را اندکی کاهش داد ولی چون ریشه این معضل یکی از بنیان‌های نظم سرمایه‌داریست، نمی‌توان آن را در همین نظم ریشه کن نمود.

بسیار شنیده می‌شود که؛ معضل کودکان کار ریشه در فقر دارد. اگر معیشت مردم تأمین شود، این معضل نیز از بین می‌رود.

این درک از مقوله‌ی کودکان کار، نیمه نیمه، پوپولیستی و سوسیال دمکراتیک است.

این درست است که وقتی معیشت یک خانواده نمی‌تواند تأمین شود (فقر)، کودکان مجبور به کار می‌گردند ولی خود فقر نیز ناشی از گرانی مصنوعی و ایجاد شده توسط سرمایه‌داریست که به وسیله‌ی آن ارزش نیروی کار را تا آن حد پائین می‌آورد که دیگر قوت لایموت خانواده تأمین نمی‌شود. در این شرایط حتی با کار پدر و مادر خانواده نیز نمی‌توان نیازهای اولیه خانواده را

۴- آمارها از سایت «توانمند سازی حاکمیت و جامعه»

## مقام زن در تاریخ

گسترده‌گی و چند وجهی بودن مقام زن در تاریخ، ما را مجبور می‌سازد، کل نوشته را به بخش‌های زیر تقسیم کنیم:

۱- مقایسه بیولوژیک زن و مرد و دریافت مقام بیولوژیک هر کدام

۲- مقام زن تا پیش از ظهور جوامع طبقاتی.

۳- نقش زنان در جنبش‌های اجتماعی ایران

۴- مسأله زن و مبارزه طبقاتی در دوران جمهوری اسلامی ایران

در این نوشته سعی گردیده است تا مطالب یاد شده به اختصار تحلیل گردد.

### ۱- مقایسه بیولوژیک زن و مرد و دریافت مقام بیولوژیک هر کدام.

برای تولید یک انسان، جنس نر فقط یک وظیفه دارد و آن هم دادن ۲۳ کروموزم به تخمک جنس ماده است. همین و بس. در این جا وظیفه جنس نر در تولید یک انسان تمام می‌شود. جنس ماده باید تخمکی را تولید کند که ۱۰۰ هزار بار از اسپرم مرد بزرگتر است. این تخمک وقتی ۲۳ کروموزم از اسپرم می‌گیرد خود را مسدود می‌کند و بقیه مراحل باردار شدن، بارداری، به دنیا آوردن و تغذیه نوزاد به عهده جنس ماده است.

چنانچه ملاحظه می‌شود، زن نقش مهمتر و همه جانبه‌تری را در تولید مثل داراست. زنان نسبت به مردان بهتر می‌توانند خود را در مقابل حوادث و تغییرات محیط انطباق دهند، آرامتر هستند و بردباری آن‌ها به مراتب از مردان بیشتر است. همه این‌ها نه در نتیجه تربیت اجتماعی و خانوادگی، بلکه به علت وظیفه‌ی سنگینی است که طبیعت به عهده آن‌ها سپرده است. زن باید نطفه را تا هنگام بر زمین نهادن با آرامش در شکم خود بپرورد، نسبت به ناملايمات خونسرد باشد تا نطفه در آرامش رشد کند و باید بدنش نسبت به بسیاری از بیماری‌ها مقاوم‌تر باشد تا نطفه سالم به دنیا بیاید. همه این‌ها نشان می‌دهد که زن در تولید مثل و پرورش آن دارای توانائی‌های بالاتر و مقام بالاتری از مرد است.

### ۲- مقام زن تا پیش از ظهور طبقات در جامعه.

انسان هموساپینس در ۲۰۰ هزار سال پیش از منطقه جنوب شرقی آفریقا به صورت دسته‌جات کوچک جدا از هم و در تضاد با هم مهاجرت دوران ساز خود را آغاز کردند و در سراسر جهان پراکنده شدند. این دستجات کوچک به وسیله بیماری‌های مختلف، حیوانات درنده و دستجات دیگر رقیب، مورد تهدید بودند و از تعداد اندکشان کاسته می‌شد. جهت حفظ حیات و نگهداری دسته، رابطه جنسی همه مردان و همه زنان برقرار بود. در این مرحله قانون انتخاب طبیعی که مادر را در رابطه جنسی از پسر، و پدر را از دختر، دور می‌کند، عقب رانده می‌شد تا دسته به حیات خود ادامه دهد.

تا زمانی که این دسته‌جات از محصولات حی و حاضر طبیعت تغذیه می‌کردند، نمی‌توانست تقسیم کار بین زن و مرد پا به عرصه وجود گذارد. زن و مرد به شکار حیوانات کوچک می‌رفتند و میوه چینی می‌کردند.

با تکامل ابزار تولید و توانائی بیشتر در جمع‌آوری محصول، جمعیت دسته با سرعت افزون می‌شد و این امر، کشف منابع دیرپای محصول مورد نیاز دسته و در پروسه بعدی کلان و قبيله را به ضرورتی درجه اول تبدیل می‌ساخت. بر پایه این ضرورت، کشاورزی ابتدائی توسط زنان ابداء گردید. کشاورزی یکجا نشینی را می‌طلبد و بارور شدن، بارداری و نگهداری از نوزاد نیز مساعد یکجا نشینی است. در این مرحله از تاریخ تقسیم کار بین زن و مرد آغاز می‌گردد. این تقسیم کار، یک تقسیم کار طبیعی است زیرا بر بنیان طبیعی زندگی بشر، نقش زن در تولید دیر پای نعم اجتماعی و فرزند آوری و نقش مرد در شکار و صحرا نوردی است. با افزایش روز افزون اهمیت کشاورزی و اهلی کردن حیوانات در تغذیه گروه که زنان مسئول آن بودند، نقش زنان نیز در دسته و بعد کلان و سپس قبيله اهمیت بسزائی می‌یافت و خون قبيله از طریق آن‌ها به نسل‌های

آینده انتقال می‌یافت و ارث از طریق مادر به فرزندان می‌رسید. زن در این باره‌ی تاریخی به مرحله ایزدی و خدائی می‌رسید. این پروسه چند ده هزار سال به طول انجامید.

با تکامل ابزار کشاورزی و باروری هر چه بیشتر زمین‌های حاصل خیز و گسترش اهلی کردن حیوانات و وام پروری، شکار به عنوان یکی از منافع تغذیه به طور کامل اهمیت خود را از دست داد. زمین قبيله بین خانواده‌هایی که هر دم کوچک‌تر می‌شد، تقسیم می‌شد و به مالکیت خانواده در می‌آمد. از این لحظه تاریخی طبقات در جوامع بشری پا به عرصه وجود گذاشت.

گاو آهن تکامل یافته که اکنون نه با نیروی زن، بلکه با نیروی حیواناتی چون گاو و الاغ کشیده می‌شد، احتیاج به نیروی بدنی کافی برای هدایت خود داشت. مرد که از باردار شدن فارغ بود و نوزاد را تغذیه نمی‌کرد، و قدرت بدنی کافی برای کنترل حیوانات شخمزن داشت، عهده‌دار کشاورزی گردید. حاکمیت مرد بر تولید مواد مورد نیاز خانواده به حاکمیت او در خانواده انجامید و قدرت زن در دسته، کلان و قبيله به زوال گرائید. زن که در تولید نسل نقشی بسیار فراتر از مرد دارد، زیر دست و بعد کنیز مرد در خانواده شد. همراه با اوج‌گیری قدرت مرد در خانواده، خون قبيله و ارث به نسل آینده نیز از طریق او منتقل می‌شد. در نتیجه در این مناسبات پدر همه بچه‌های خانواده باید مشخص و فقط یک مرد حاکم باشد. لذا چند همسر برای مرد و تک همسری برای زن قانون ابدی گردید.

از آن تاریخ تا کنون موقعیت برده‌وار زن و تک همسری او ابدی و با هر ساختار نوین استثمارگرانه‌ی تحکیم گردیده و گسترش یافته است. در جوامع اسلامی که چند همسری برای مرد یکی از قوانین بنیادین دین اسلام می‌باشد، فرودستی و تحقیر زنان را نهایی نیست.

### ۳- نقش زنان در جنبش‌های اجتماعی ایران

صحنه جامعه حذف شدند. از این به بعد بالا بردن آگاهی زنان از قوانین و مناسبات طبقاتی جامعه به جنبش کمونیستی سپرده شد.

زنان بخش‌های مختلف جنبش راستین کمونیستی با مقالات و نوشتارهای خود که مخفیانه انتشار می‌یافت و مبارزه سرسختانه در شرایط خفقان و ترور، درس‌های گرانبهایی برای زنان کارگر و زحمتکش به ارمغان گذاشتند. از جمله این زنان انقلابی می‌توان از وفا جاسمی و شکوه طوافچیان از سازمان انقلابی، اشرف دهقانی و مرضیه احمدی اسکویی از سازمان چریک‌های فدائی خلق را نام برد.

ناشی از ضرورت بیان شده در فوق و رها شدن زنان از برخی قید و بندهای مذهبی، آن‌ها در وسعتی کم نظیر در جامعه و محیط کار ظاهر شدند. در همین محیط با نوشتارهای زنان انقلابی و مبارزات آن‌ها آشنا گردیدند. زنان کارگر و زحمتکش همدوش برادرانشان در کارخانه‌ها و مؤسسات تولید با شدت استثمار می‌شدند. در این پروسه آن‌ها به اهمیت مبارزه جهت آزادی و نقش برابرشان با مردان آگاه می‌شدند. لذا در اواخر سلطنت پهلوی ما با جنبش عظیم و توده‌ای زنانی روبه‌رو هستیم که شعار سرنگونی رژیم پهلوی را سر می‌دادند و خود را از صف سازمان‌های زنان وابسته به دربار که تحت نظارت اشرف پهلوی بود جدا می‌کردند. این وضعیت تا آخرین روزهای سلطنت محمد رضا شاه جریان داشت.

#### ۴- مسأله زن و مبارزه طبقاتی در دوران جمهوری اسلامی ایران

در دین اسلام زن نیمه انسانی است که باید تحت قیمومیت مرد (پدر، برادر و شوهر) زندگی کند. «مردان را بر زنان تسلط و حق نگرهبانی است ... و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آن‌ها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آن‌ها

الف- اتحادیه‌ها و سازمان‌های زنان مثل: انجمن آزادی زنان، انجمن نسوان ایران، انجمن غیبی نسوان، انجمن نسوان وطن، شرکت خیریه خواتین ایران، اتحادیه نسوان، انجمن مخدرات وطن، انجمن همت خواتین و شورای هیأت خواتین مرکزی.

ب- گروه‌های مبارز و انقلابی زنان در بعضی شهرهای ایران. مثل گروه پر شمار زینب پاشا در آذربایجان که در قحطی مصنوعی در انبارهای غله محتکران را با قهر گشود و در اختیار مردم گذاشت. در تبریز گروهی از زنان متشکل انقلابی شکل گرفت که با لباس مردانه در مبارزه مسلحانه علیه نماینده محمد علی شاه شرکت کردند و ۲۰ قربانی برجای نهادند. از دیگر زنان مبارز مشروطه سردار مریم بختیاری است که با لشکری تحت فرمان خود نیروهای ضد مشروطه را سرکوب می‌کرد و علیه دخالت انگلیس نیز فعال بود. در آن دوران در کرمان و در بندر انزلی نیز ما با جنبش‌های زنان روبه‌رو هستیم که در خدمت مشروطه مبارزه همه جانبه‌ی را به پیش می‌بردند. با این وجود مجلس مشروطه تحت نفوذ روحانیت، قانون اساسی‌ی را تصویب کرد که زنان در سطح دیوانگان و کودکان قرار گرفتند.

با کسب قدرت سیاسی توسط رضا شاه، جنبش‌های مثبت اجتماعی سرکوب گردیدند و جهت آزاد کردن نیروی کار زنان در خدمت سرمایه نوپای ایران که با سرمایه‌های خارجی مشترکا کارگران (زن و مرد) را استثمار می‌کرد، کشف حجاب را معمول گرداند.

در زمان محمد رضا شاه به ویژه پس از رفرم‌های ارضی، سیل سرمایه‌های خارجی و کارخانجات مونتاژ به ایران سرازیر شد. لذا سعی گردید اکثر قوانین اسلامی را که دست و پای زن را در زنجیرهای مذهبی به نفع مرد مقید می‌ساخت، از قوانین اساسی ایران حذف نمایند تا نیروی ارزان زنان در خدمت سرمایه‌های خارجی قرار گیرد.

در زمان این پادشاه دیکتاتور و مستبد تمام انجمن‌ها و احزاب مترقی از

به علت شرایط اسفناک حاکم بر زنان به ویژه بعد از یورش اسلام به ایران و حاکمیت این دین بر سرزمین ما، هیچگاه جنبش‌های اجتماعی خالی از زنان نبوده است.

در این جا یک قانونمند دو وجهی نهفته در این جنبش‌ها نظر را جلب می‌کند:

۱- هرچه از شرایط اولیه ظهور طبقات به امروز نزدیک می‌شویم، جنبش زنان از طبقات فوقانی جامعه به طبقه مادون آن محول می‌شود.

۲- جنبش زنان در تمام این مراحل، و با هر گام در مدرن‌تر شدن ساختار اجتماعی، رادیکالیزه‌تر شده و با جنبش عمومی زحمتکشان بیشتر گره خورده است.

در دوران برده‌داری - سرواژ ایران این "جنبش" در ابتدا به صورت تلاش زنان اشراف جهت نفوذ در دربار و حاکمیت از پشت پرده (ملکه موزا زوجه فرهاد چهارم و مادر فرهاد پنجم) و یا صعود یک زن درباری به فرماندهی سپاه (رکسانا، فرمانده و قهرمان دوران اشکانیان)، تجلی می‌کرد. با گام دیگری در تکامل جامعه یعنی در جامعه سرواژ- برده‌داری ایران، زنان مبارز، هنرمند و والائی از دل جامعه ظلمت زده سر بر آوردند و لحظات خوشی درخشیدند مثل مهستی گنجوی.

با آغاز جنبش مشروطه تا اواخر دوران رضا شاه که ساختار اجتماعی جامعه ایران به فئودالیسم کلاسیک تحول یافت بود و سرمایه‌داری در بطن آن شکل می‌گرفت، زنان بی شماری از طبقات فرودست و میانه وارد صحنه مبارزه شدند و حماسه‌های جاودانی برجای نهادند. در این دوران هنرمندان و شاعرانی همچون فخرآفاق پارسا، بدری تندری، زنده‌دخت شیرازی و قدسیه حجازی و پروین اعتصامی به صحنه آمدند و تأثیر شگرفی بر افکار زنان دوران خود نهادند.

در گیرودار و تنش مشروطه خواهی، جنبش واقعی زنان در دو سطح شکل گرفت:

شرکت کنندگان در این جنبش را زنان تشکیل می‌دادند که هم‌دوش برادران خود می‌رزمیدند.

جنبش زنان با رادیکالیزه شدن جنبش انقلابی مردمان کار و زحمت به عمق می‌رود، رادیکالیزه می‌شود و خصلت طبقاتی اشکار به خود می‌گیرد، آنچنانکه زنان طبقات مرفه با وجود داشتن زمینه‌های مشترک زن بودن با زنان زحمتکش و کارگر، قادر به پشتیبانی از زنان زحمتکش و شرکت در مبارزات آنان نیستند.

بسیاری از زنان فمینیست چپ بر نقطه اشتراک زنان (زن بودن و تحت تسلط مرد بودن) در جامعه ایران تأکید بی اندازه می‌گذارند، خصلت طبقاتی جنبش زنان کارگر و زحمتکش را فراموش می‌کنند و سر انجام به موضع رویزیونیست‌ها که جنبش زنان را مافوق طبقاتی ارزیابی می‌کنند، در می‌غلطند.

جنبش آبان ۱۳۹۸، جنبش استعمار شدگان، پابرهنگان و ستم دیدگان جامعه بود که علیه افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت بنزین آغاز شد و شعله‌هایش با سرعت پهنای جامعه را گرفت.

این جنبش، جنبش عمق جامعه بود. لذا کلیه شرکت کنندگان آن نیز اگر از اعماق جامعه نبودند، با اعماق جامعه پیوند برقرار کرده بودند. در این جنبش به طور واقعی جنبش زنان با جنبش کارگری در هم آمیخته بود. هیچ‌گاه در تاریخ ایران زنان با چنین ابعادی و با چنین شعارهای رادیکالی در جنبش‌های آزادیبخش شرکت نداشته‌اند. رادیکالیسم جنبش زنان در ۹۸ همان رادیکالیسم جنبش کارگری و زحمتکشان جامعه بود که از اعماق جامعه و از دل ستم دیده‌ترین ستم دیدگان برمیخواست.

شعارهای این جنبش عبارت بودند از بنزین گرون‌تر شده، فقیر فقیرتر شده ملت چرا نشستی، منجی خود تو هستی  
نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم

در جنبش سبز (۱۳۸۸) که یک جنبش خرده بورژوازی با رهبری بسیار سازشکار و مرتجع بود که شعار الله اکبر، الله اکبر - یا حسین، میرحسین را سر میداد. زنان نیز در این جنبش، گسترده شرکت کردند. گلوله مذاب پاسداران که بر قلب ندا آقا سلطان نشست و زنده زنده سوزاندن ترانه موسوی پس از دستگیری، شکنجه و تجاوز جنسی، بار دیگر به بسیاری از ناآگاهان و عناصر سازشکار در جنبش زنان مثل شیرین عبادی و مهرانگیز کار که می‌گفت «کارشناسان دینی که از دین تفسیر مهربانتری دارند... برای این‌ها توضیح بدهند که تصور شما از قرآن می‌تواند این نباشد...» قَدِری فهماند که با چه رژیم خون آشام و دد منشی در تقابل هستند.

تلاش کمونیست‌ها در توضیح وقایع روزانه به مردمان کار و زحمت و آزادیخواهان مترقی از یک جانب و تجربه روزانه زحمتکشان و نیروهای بینابینی از جانب دیگر، جنبش‌های اجتماعی را رادیکال نمود.

در جنبش دی ماه ۱۳۹۶ که از مشهد آغاز شد و به سرعت سرتاسر کشور را فرا گرفت، دیگر صحبتی از رهبران سازشکار و ارتجاعی پیشین نبود. در این جنبش که شرکت کنندگان آن اکثراً از آزادیخواهان مترقی و زحمتکشان بودند، در ابتدا شعارهای اقتصادی و علیه بیکاری گسترده در ایران را سرداده می‌شد. ولی با سرعت جنبش به سطح سیاسی تکامل یافت و کل رژیم را زیر سؤال برد. شعار مرگ بر ولایت فقیه و بعد مرگ بر جمهوری اسلامی بر رأس شعارها خود نمائی می‌کرد. مردم کلیت رژیم سرمایه‌داری - اسلامی را نشانه رفته بودند. در این جنبش زنان با گستردگی بی‌مانندی شرکت داشتند. با وجود آگاهی به این امر که زنان در زندان، آزار و شکنجه‌های طاقت فرساتری از مردان را باید متحمل شوند، ولی ترس اولیه‌ی آن‌ها ریخته بود و با شهامت در مقابل نیروهای مسلح ظاهر می‌شدند. می‌توان گفت که نیمی از

دوری گزینید اگر مطیع نشدند آن‌ها را به زدن تنبیه کنید...»

آیه فوق ابعاد خوفناک تحقیر زن و فرودستی او را در این آئین به خوبی نشان می‌دهد. و هنگامی که این ایدئولوژی منحوس و فاسد با ساختار سرمایه‌داری که هدفی جز کسب مافوق سود ندارد، همراه گردد، زن در دنیای مرد سالار در بی‌پناهی کامل در مقابل استثمارگرانش قرار می‌گیرد.

هنوز رژیم جدید اسلامی ایران تحکیم نشده بود (۱۵ روز پس از کسب قدرت سیاسی) که خمینی قانون حمایت خانواده را ملغی کرد. ده روز بعد زنان بی‌حجاب از کار و ورود به ادارات منع گردیدند. و سپس زنان شاغل به طور گسترده از بسیاری از ادارات اخراج و از قضاوت محروم گردیدند. قوانین قصاص دوباره تصویب گردید و زنان از شرکت در ورزشگاه‌ها و بسیاری مؤسسات اجتماعی منع شدند. این اجحافات و اقدامات قرون وسطائی با سیل خروشان مبارزات زنان مواجه شد. این سیل آنچنان به ریشه‌ها می‌زد که خمینی، به طور تاکتیکی مجبور به عقب نشینی شد و گفت: «حجاب اجباری نیست.» سپس هزاران مرد تحمیق شده و زن ستیز را به مقابله با این جنبش فرستاد.

رژیم جمهوری اسلامی سیاست سرکوب خونین و بی‌امانی را در پیش گرفته بود. در جنگ ایران و عراق هر صدای معترضی به بهانه اخلاص در جنگ سرکوب می‌شد. در این مدت هزاران زن و مرد مبارز دستگیر، شکنجه و اعدام شدند. هزاران زن باردار نوزادانشان را در زندان و در شرایط بسیار خطرناک و دلهره آوری به دنیا آوردند.

بعد از جنگ نیز در خدمت امنیت سرمایه‌های خارجی ده‌ها هزار نفر را که هزاران آن را زنان تشکیل می‌دادند، به جوخه‌های اعدام و چوبه‌های دار سپردند.

گار حاکمیت اسلامی دجاله در آورده است. در عین حال جنبش فکری و عملی میلیونها انسان مطالبه گر برای عدالت و برابری در حال گسترش است. این امر ناشی از تضادهای انتاگونیستی حاکم بر روابط اقتصادی سیاسی اجتماعی جامعه است. در خیابان داری میروی ناگهان یک رهگذر گاه ژولیده با پلاکارتی در دست بدون کوچکترین واهمیی از آنچه ممکن است برایش پیش آید، فریاد میزند: مرگ بر خامنه‌ای.

آغاز سال نورا باید آغاز اوج تازه‌ی مبارزاتی کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی دانست. در تمامی شهرهای کوچک و بزرگ توده‌ها بشادی دست به حرکت عظیمی زدند؛ در کردستان در میان سیل عظیم مردم، آتشی بزرگ زبانه کشید و اشکارا رژیم آخوندی را به نبردی رو در رو فرا خواند. در اشنویه و پیران شهر مردم خشمگین، شادی کنان نفرت عظیم خود را بدشمنان طبقاتی خود نشان دادند که نیروهای سرکوب گر ناچار از بکارگیری گاز اشک آور و گلوله‌های ساچمیی شدند. در شهرهایی چون شیراز و اصفهان نیز مردم مبارزات درخشانی را پیش بردند. باید گفت نوروز امسال نوید بخش مبارزات طبقاتی کارگران و زحمت کشان در اشکال مدنی و قهر آمیز است.

ولی متأسفانه باید گفت که کل این جنبش عظیم همچنان بدون داشتن یک رهبری و ال‌ترناتیو کمونیستی بدون برنامه‌یی حساب شده و فراگیر به پیش می‌رود. و نیز فاقد یک تشکل سازمان یافته کارگری کمونیستی است و این در اوج تکامل مبارزات کارگران و زحمتکشان، فاجعه آمیز بوده و یاد آور اوایل ۵۷ می‌باشد که مسیر انقلاب از خواسته‌های انقلابی خود فاصله‌یی دهشتناک گرفت.

رفقا نیروهای ارتجاعی چون مار و افعی از لانه های خود بیرون

طبقاتی‌شان انجام گیرد، عمر آن رژیم پایان یافته است و فقط باید عامل ذهنی را فراهم کرد. یعنی جنبش باید شکل سازمان متناسب برای سرنگونی را به خود بگیرد.

امروز جنبش زنان در این مرحله تاریخی ایستاده است.

#### ارتباط با ما

[coiran21@gmail.com](mailto:coiran21@gmail.com)

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما

### نامه یک رفیق کارگر و نقد کوتاهی بر آن

#### نامه‌ی رفیق:

درد فراوان در سخت‌ترین و دشوارترین شرایط حاکم بر جامعه‌ی سرمایه زده ایران به تک تک رفقای کمون.

هر سال در هر نوروز حس دوگانگی داشتیم. هم غم زندگی و هم شادی سال نو. این حس دوگانه تا این سن و سال همراه بوده و هر سال بار غمش افزون شده است. فقط یک تغییر بنیادین اجتماعی برای دنیای بهتر که رفاه و آزادی را به ارمغان آورد، میتواند شادی را چه در ظرفیت‌های اجتماعی و چه در ظرفیت‌های فردی شکوفا و تضمین کند. آغاز سال با عزم و اراده برای جامعه‌یی نو، مبارک باد.

رفقا! شرایط بسیار پیچیده و بغرنج است: جنبش خود بخودی کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی در سراسر جغرافیای کشور روز بروز در حال رشد و تکامل است. باور کنید نود درصد مردم خشمگین و در اوج نارضایتی قرار دارند. شاخه‌های طبقاتی جنبش یعنی کارگران فکری و یدی، جنبش کارگران و زحمت کشان زن در اشکال گوناگون، جنبش دانشجویی و دانش آموزی در اشکال مطالباتی و سیاسی خود، جنبش شهروندی بازنشستگان، دمار از روز

اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا مرگ بر جمهوری اسلامی این‌ها اساسی‌ترین شعارهای طرح شده در جنبش آبان ۹۸ بود.

این جنبش از فقر و استثمار برمیخواست و علیه فقر موضع می‌گرفت و می‌دانست که برای آزادی باید به نیروی خود تکیه کند، از هیچ ارعابی نترسد زیرا همه با هم هستند و از هیچ هزینه‌ای فروگذار نکنند. آگاهی این جنبش تا آن جا بود که کلیت رژیم را، تمام دستجات تشکیل دهنده رژیم جمهوری اسلامی را از یک جنس ارزیابی می‌کرد و علیه کلیت آن موضع می‌گرفت.

در این جنبش زنان انچنان از برادران طبقاتی خود در مقابل هجوم پاسداران دفاع می‌کردند که از کودکان خود در مقابل خطر.

وحشت رژیم از این جنبش را در فرمان خامنه‌ای می‌توان به عیان دریافت. او معترضان و تظاهر کنندگان را چنین لجن مال نمود: « در یک چنین حوادثی معمولاً اشرار، کینه‌ورزان، انسان‌های ناباب وارد میدان می‌شوند»، «مفاسد به بار می‌آورند» سپس به سران پاسدار و ارتشی می‌گوید: میلیون‌ها مردم به خیابان‌ها آمده‌اند. شما نمی‌بایست می‌گذاشتید این طور میشد. باید به زانو درآوردید. نیروهای امنیتی باید «به وظایف‌شان عمل کنند.»

آنگاه نیروهای امنیتی، آتش به اختیار به وظایف‌شان عمل کردند. از نزدیک قلب تظاهرکنندگان را هدف گرفتند و بیش از ۱۵۰۰ نفر را کشتند. و صدها نفر را نیز زخمی کردند و به بند کشیدند.

درصد بالایی از کشته شدگان زنان بودند و تعداد بسیاری از آنان نیز دستگیر و روانه زندان گردیدند که تا کنون در بند زنداند.

تجربه تاریخ کلیه کشورها بر این تأیید می‌گذارد؛ آنگاه که جنبش زنان از عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی شکل گیرد و به خیابان‌ها سرریز شود و هر گاه این، در همبستگی با برادران



خزیده‌اند؛ سلطنت طلب‌ها با سود بردن از نوستالژی طبقات میانی آشکارا دست بکار تبلیغاتی عظیمی زده‌اند. مجاهدین نه همسان با آن‌ها بلکه باشیوهی منسجم و سازمان یافته در گوشه و کنار دست به کارهای ایذایی می‌زنند.

نیروهای میانی بوروازی در عرصه آرتیاسیون حتی با سود بردن از امکانات موجود حاکمیت نیز بیکار نیستند....

در این میان متاسفانه تاکنون صرف نظر از حرکت معلمین به عنوان کارگران فکری، اعتصابات و اعتراضات پرولتاریای شهری و دهقانان حاشیه‌ی شهرها، کار منظم، سازمان یافته و تاثیر گذاری در جهت ایجاد سازمان رهبری کننده کارگران و زحمتکشان، صورت نگرفته است و این بسیار تأسف بار است.

به تازگی متاسفانه بعضی از عناصر ناباب چون خنیفر نیز از جنبش عظیم هفت تپه عقب نشینی کرده و پا پس کشیده‌اند

رفقا در این شرایط ما به عنوان مجموعه نیروهای چپ انقلابی که دارای پتانسیل بالقوه‌ی بالائی نیز هستیم، بهر دلیلی، انسجام و شکل یابی کمونیستی لازم را بدست نیاورده‌ایم.

ناگفته روشن است که شرایط عمومی حاکم بر جهان اقتصاد و سیاست نیز در این روند تأثیر خود را برجا گذاشته است.

### نقد کوتاهی بر نوشته‌ی فوق:

#### ۱- در مورد عدالت و برابری:

در نامه فوق آمده است: «در عین حال جنبش فکری و عملی میلیون‌ها انسان مطالبه‌گر برای عدالت و برابری در حال گسترش است.»

این موضع می‌تواند به دو گونه تفسیر شود.

الف - مبارزه برای برابری حقوق در یک شرایط اجتماعی و کار. مثل مبارزه کارگران زن در یک کارخانه برای حقوق مساوی با مردان در همان کارخانه و در همان شرایط و غیره. کمونیست‌ها از این مبارزات که جزو مقوله مبارزات دمکراتیک در جامعه سرمایه داری است با تمام نیرو پشتیبانی و حمایت می‌کنند.

ب- مبارزه برای جامعه‌یی که انسان‌ها با هم برابر باشند. این یک موضع رویزیونیستی است که در ایران پرچمدار آن منصور حکمت رویزیونیست می‌باشد. در هیچ جامعه‌ای انسان‌ها نمی‌توانند با هم برابر باشند. نه به لحاظ نیازهاشان و نه به لحاظ نیروی تولیدی‌شان.

#### ۲- در مورد تحلیل از شرایط جامعه و معضل آن:

ذهن روشن، نگاه دقیق و کنجکاو اجتماعی و شم طبقاتی تیز این رفیق در شناخت و تحلیل مسائل عمومی جامعه و معضل‌های آن به راستی امید می‌بخشد و اراده را برای تغییر اوضاع اسفناک زحمتکشان ایران صیقل می‌دهد.

ما با تحلیل این کارگر انقلابی از نکات مثبت و معضلات جامعه و جنبش‌های آن کاملاً موافقیم. همان طور که او نوشته است، بزرگترین معضل جنبش انقلابی ما، نبود یک حزب کمونیستی راستین سراسری در ایران است.

ما دست این رفیق عزیز را می‌فشاریم و خود را با او هم نظر می‌دانیم. ولی این کافی نیست. تحلیل را تا این جا تکامل دادن ضروری ولی ناکافی است.

از زمان سرکوب حزب کمونیست ایران توسط رضا شاه، ضرورت یک

سازمان رهبری کننده کمونیستی در ایران که از دل طبقه کارگر سر برآورده باشد، احساس می‌شود. مرتب بر این واقعیت چکش زدن خوب است تا موتور کمونیست‌ها به کار افتد ولی کافی نیست چون راه حل نشان نمی‌دهد. تمام تلاش کمونیست‌های واقعی در ایران این است که راه حل درست و منطبق بر واقعیتی را برای ایجاد چنین حزبی بیابند و نشان دهند. همه کمونیست‌های ایران باید به یاری بشتابند، نظرات و پیشنهادات خود را جهت ایجاد چنین حزبی طرح کنند تا مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی لازم بر بستر برخوردهای رفیقانه و دوستانه به حرکت آید و گام به گام ما را به مقصود نزدیک سازد. عدم تلاش در طرح راه مشخص برای ایجاد حزب، ما را در دایره‌ی شیطنانی عام‌گونی و تکرار مکررات تئوری عام، می‌چرخاند.

ما از رفقای کارگر، که همچون این رفیق تا این سطح از شناخت طبقاتی جامعه، فکر روشن دارند می‌خواهیم تا تلاش فکری خود را برای ارائه طرح مشخص ایجاد حزب و سازماندهی هسته‌های کمونیستی کارگری سمت دهند.

نظم کمونیستی ایران، طرح خود را در کمون شماره ۸ ارائه داده است. به آن رجوع کنید، منتقدانه آن را مطالعه نموده و نظرات خود را برایمان ارسال کنید.



### شعر تیشه

کنون که شهر دمدام به دست تاراج است  
تو جام را بگذار  
و تیشه را بردار  
چرا؟

که ریشه‌ی این رشد کرده‌ی زهر آگین  
به تیشه محتاج است

حمید مصدق

**پرولتاریای جهان متحد شوی!**

**پرولتاریا، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!**

**حزب کمونیست راستین ایران را در پیوند جنبش کمونیستی با طبقه کارگر سازمان دهیم!**

**در جهت ایجاد حزب کمونیست راستین ایران، رویزیونیسم و تروتسکیسم را افشا کنیم**

**دغلکاری خرده بورژوازی را از صفوف خود بزدانیم**

**در جهت ایجاد حزب کمونیست راستین ایران، رویزیونیسم و تروتسکیسم را افشا کنیم**